

نقد چله نشینی صوفیه با تأکید بر رویکرد شیخ حر عاملی در رساله اثنا عشریه

امیرحسین دهقان انارستانی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰]

چکیده

چله نشینی یکی از آداب مهم صوفیه است که سالک در چهل روز با انجام اعمال و عبادات خاص و کم کردن خواب و خوراک به عبادت و گوشه نشینی می پردازد. از آنجاکه منشأ دینی این ریاضت محل تردید است، از سوی برخی از محدثان و عالمان قرار مورد انتقاد گرفته است. از جمله محدثانی که به طور مستقل و جامع به نقد این ریاضت می پردازد، محدث نامدار شیعی، شیخ حر عاملی است. وی در بخش ششم از کتاب رساله اثنا عشریه فی الرد علی الصوفیه، دوازده نقد مهم به این ریاضت وارد می کند. جایگاه نویسنده، تسلط وی به قرآن و احادیث شیعه، رویارویی مستقیم با آداب صوفیه و نوآوری در بیان اشکال ها از جمله ویژگی های کتاب حر عاملی است که اهمیت پرداختن به این موضوع از دیدگاه شیخ را دوچندان می کند. با وجود این، از آنجاکه اشکال های شیخ حر به اجمال و بدون نظم منطقی و توضیح نظام مند ارائه گردیده است، در تحقیق حاضر به رفع این نواقص اهتمام ورزیده شده است. نگارنده با دقت در عبارات شیخ حر عاملی، شش نقد اساسی را به دست آورده است و با محور قراردادن دیدگاه نویسنده به توضیح، تحلیل بسط و در مواردی نقد رویکرد مورد نظر پرداخته است. از دیدگاه نویسنده، ریاضت چله نشینی مشروع نیست و با آیات قرآن، روایات اهل بیت (ع)، ضرورت دین و سیره ائمه در تعارض است؛ همچنین چله نشینی موجب بروز دوازده مفسده می شود.

کلیدواژه ها: چله نشینی صوفیانه، شیخ حر عاملی، رساله اثنا عشریه، سیره عالمان دین، نداشتن مشروعیت، نقد چله نشینی

۱. دانشجوی دکتری فقه الحدیث، حوزه علمیه قم، مدرسه علمیه شهیدین. amirnoot313.com@gmail.com

طرح مسئله

یکی از جریان‌های مهمی که در حیات امت اسلامی پدیدار شدند، صوفیه است. صوفیه، ابداع‌کننده اعمال و ریاضت‌های مختلفی در کالبد جامعه اسلامی بود که انتساب آنها به مناسک دینی، موجب بروز اشکال‌ها و انتقادهای شدیدی از ناحیه مخالفان این فرقه شد. از جمله مخالفت‌ها از سوی فقیهان و محدثان بود که رویه صوفیه را مخالف منظومه معارف دینی قلمداد می‌کردند. از جمله محدثانی که علیه مناسک صوفیه مطالبی را عنوان کرد، شیخ حر عاملی است. وی که با نگارش کتاب گرانسنگ وسائل الشیعة نام بزرگی از خود به جای گذاشته بود، با نگارش رساله اثنا عشریه، مناسک صوفیه را مخالف معارف دینی و در صدر آن قرآن و روایات ارزیابی نمود.

از جمله مناسک مهم صوفیه که شیخ حر عاملی در بخش ششم از کتاب خود به نقد آن می‌پردازد، چله‌نشینی است. چله‌نشینی یکی از آداب مهم صوفیه است که سالک در چهل روز با انجام اعمال و عبادات خاص و کم‌کردن خواب و خوراک، به عبادت و گوشه‌نشینی می‌پردازد. انجام عمل در فصل زمستان، نشستن در خانه تاریک و کوچک، روزه‌داری، کم حرف زدن و ... از جمله مواردی است که سالک باید در چله‌نشینی رعایت کند.

شیخ حر عاملی دوازده نقد را به چله‌نشینی وارد می‌کند؛ اما اجمال‌گویی، تبیین‌نشدن مبانی و عاری بودن تحقیق از نظم منطقی، سبب شده است نگارنده در این نوشتار به رفع نواقص اهتمام ورزد. نگارنده با دقت در عبارات شیخ حر عاملی، شش نقد اساسی را به دست آورده است و با محور قراردادن دیدگاه نویسنده به توضیح، تحلیل، بسط و در مواردی نقد رویکرد مورد نظر پرداخته است.

پیش از این تحقیق، مقالاتی به نقد یا بررسی چله‌نشینی اهتمام ورزیده‌اند که می‌توان به مقاله «نقد مستندات قرآنی و روایی چله‌نشینی» (۱۳۹۶) نوشته عباس اسماعیلی زاده و

دیگران اشاره کرد. گرچه این تحقیق به لحاظ تاریخچه چله‌نشینی مورد استفاده نگارنده این نوشتار قرار گرفته است، هیچ اشاره مستقلى به دیدگاه شیخ حر در آن دیده نمی‌شود و به جمع‌آوری اشکال‌ها و برخی مستندات قرآنی و روایی اختصاص دارد. ارزیابی داده‌های پراکنده در رساله اثنا عشریه نشان می‌دهد ریاضت چله‌نشینی مشروع نیست و با آیات قرآن، روایات اهل بیت، ضرورت دین و سیره ائمه در تعارض است؛ همچنین موجب بروز دوازده مفسده می‌شود. گفتنی است تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است.

۱. تعریف چله‌نشینی صوفیانه

چله‌نشینی مرکب از دو بخش است: «چله» که بیان‌کننده عدد چهل است و بین ادیان و ملل مختلف جایگاه برجسته‌ای داشته است. بر همین اساس، محققان مختلف در قالب کتب و مقالات متعدد به ویژگی‌ها و آثار عدد چهل اشاره کرده‌اند؛ از جمله: رموز اسرارآمیز عدد چهل نوشته محسن آشتیانی؛ عدد چهل اثر آصفه آصفی؛ اسماء و رموز اعداد و حروف نوشته احمد آقا شریف؛ اعداد و بررسی رمزهای آن در شاهنامه تألیف امین زارعی. بر اساس برخی پژوهش‌ها، علت برگزیده شدن عدد چهل در جایگاه معیاری برای انجام مناسکی خاص با عنوان «چله‌نشینی»، این است که عدد چهل سنبل آغازین تکامل، جلوه پختگی، اعلام پشت سرگذاشتن خامی و نادانی، نخستین مرحله هوشیاری و رمز عدم تعجیل در آدمی است (آشتیانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۲۲).

واژه چله‌نشینی به معنای قصد ریاضت، عبادت و ترک لذایذ دنیوی و کم کردن خواب و خوراک است که با شرایط و ضوابطی خاص انجام می‌پذیرد. این اعمال چون در طی چهل روز باید انجام گیرد، چله‌نشینی نام‌گذاری شده است (دهخدا، ۱۳۳۴ ه.ش، ج ۱۷، ص ۲۸۸). صوفیان در اجرای برنامه عزلت و تبتل به دستور پیر خانقاه و برای تزکیه به ریاضت

می پرداختند (کیانی، ۱۳۶۹ هـ.ش، ص ۴۱۹). چله نشینی این گروه آداب بسیاری دارد که برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) سالک باید در خانه تاریک بنشیند.

ب) به حالت ادب رو به قبله قرار گیرد.

ج) خانه ای که در آن قرار می گیرد، تاریک و کوچک باشد تا حواس چله نشین از کار بیفتد و چیزی نبیند و نشنود (رازی، ۱۳۶۳ هـ.ش، ص ۱۵۷).

د) همواره وضو داشته باشد تا نور طهارت در وجودش منعکس گردد.

ه) همواره روزه دار باشد و به نان و نمک بسنده کند و هر شب مقداری از غذای خود را کم کند.

و) کم خواب باشد و سالک تا جایی که بتواند نباید بخوابد، هرچند خواب بر او غلبه کند که در این حالت باید آن را با تجدید وضو دفع کند.

ز) کم حرف بزند و نفی خواطر از دیگر آداب آن است که با تکرار اذکار متفاوت، اشتغال دل به امور دیگر را باز دارد.

ح) در نهایت آداب مهم آن دوام عمل است که ظاهر و باطن خود را به کسوت عبادت و عبودیت آراسته سازد (کاشانی، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۱۲۰ - ۱۲۱).

۲. تاریخچه چله نشینی صوفیانه

درباره تاریخ چله نشینی و شروع آن آگاهی خاصی در دسترس نیست؛ بر همین اساس، بیان زمان دقیق از عهده تاریخ پژوهان بیرون است. اما بر اساس برخی اظهارات، ریشه های آن را در میان راهبه ها، هندوها، یونانیان، ایرانیان و دیگر اقوام و مذاهب می توان جستجو کرد؛ اما منشأ رهبانیت در ادیان ابراهیمی را می توان از درون راهبه های مسیحی دنبال کرد (اسماعیلی زاده، ۱۳۹۶ هـ.ش، ص ۹۳ - ۱۱۶).

رهبانیت مسیحی از مصر شروع می‌شود و آنتونی را می‌توان بنیان‌گذار این جریان معرفی کرد (اسماعیلی زاده، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۹۳ - ۱۱۶). برخی از بزرگان مسیحی گفته‌اند: «همان‌طور که اگر ماهی در خشکی قرار بگیرد، می‌میرد، راهبان نیز اگر از حجره‌های خود دور بمانند یا با اهل دنیا روزگار بگذرانند، عزم خود را بر نیایش در خلوت از دست می‌دهند» (اسماعیلی زاده، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۹۳ - ۱۱۶).

در نتیجه، عزلت به شیوه صوفیان امری جدید است و در عهد رسول خدا (ص) چنین چیزی مرسوم نبوده است؛ بنابراین آنان که خود را طالب حق و حقیقت می‌دانستند، برای سالم نگه داشتن دین خود به خلوت‌گاه‌ها روی آوردند (اسماعیلی زاده، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۹۳ - ۱۱۶). شیخ حر عاملی نیز چله‌نشینی را ساخته و پرداخته دشمنان دینی عنوان می‌کند و معتقد است این ریاضت از جمله مناسک مهم دشمنان دین اسلام نظیر مسیحیان، کافران هند و صوفیه سنی است (حر عاملی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۴۰).

۳. اشکال‌های شیخ حر عاملی بر چله‌نشینی

چله‌نشینی صوفیان ریشه در آداب و مناسک دینی غیرمسلمانان دارد و در طول زمان تغییرات فراوانی به خود دیده است. عالمان دینی با بدعت‌پنداشتن این پدیده، نقدهای فراوانی را به چله‌نشینی وارد کرده‌اند تا ساحت دین اسلام را از اختلاط با مناسک خود ساخته حفظ کنند. از جمله کسانی که به چله‌نشینی صوفیانه نقد و اشکال وارد می‌کند، شیخ حر عاملی است. وی در کتابی با عنوان رساله الاثنی عشر فی الرد علی الصوفیة، دوازده اشکال به چله‌نشینی را مطرح می‌کند که به چهار دسته کلی نداشتن مشروعیت، مخالفت با آیات قرآن کریم، مخالفت با سیره و مخالفت با ضرورت مذهب تقسیم می‌شود. در ادامه تقسیم‌بندی پیش گفته بر اساس اشکال‌های شیخ حر عاملی تبیین می‌شود.

۳-۱. نداشتن مشروعیت: نبود دلیل

مراد از نداشتن مشروعیت این است که هیچ دلیل قاطع شرعی بر اثبات این مسئله وجود ندارد و در شریعت اسلام تأییدی بر این عمل یافت نمی‌شود (حر عاملی، ۱۳۹۰ ه. ش، ص ۱۳۹). نکته دارای اهمیت این است که نداشتن مشروعیت با مواردی که بعدها با عنوان مخالفت با قرآن، سیره و روایات معصومان خواهد آمد، متفاوت است؛ چراکه در این بخش نبود دلیل قاطع بر چله‌نشینی مورد تأکید نگارنده است. درواقع حتی اگر عمل چله‌نشینی مخالف با متون قرآن و روایات معصومان نبود، از نگاه شیخ حر عاملی نسنجیده بودن این عمل کشف می‌شود؛ چراکه هیچ دلیل خاصی وجود ندارد که این عمل را تجویز کند و همین امر برای باطل بودن یک عمل کافی است. به عبارت دیگر، ابداع عبادتی خاص با مناسکی ویژه که در جایی از متون دینی اثری از آن نباشد، دلیل روشنی بر نداشتن مشروعیت آن عمل است؛ چراکه با تعریف بدعت همخوانی دارد.

علامه مجلسی در تعریف بدعت می‌نویسد: «بدعت هر اعتقاد و نظر، دین یا حکم و عبادتی است که از طرف شارع در مورد آن به طور خاص یا در ضمن حکمی عام چیزی نیامده باشد» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ش، ج ۲، ص ۲۴۶).

حرمت بدعت در دین نیز واضح است؛ چنان‌که شیخ حر عاملی در بخش دیگری از رساله خود دلایلی را بر حرمت بدعت بیان می‌کند. وی معتقد است اقتضای ضرورت دین، حرمت بدعت است و سپس برای تأیید دیدگاه خود دوازده روایت با مفاد حرمت غیبت در کتاب خود نقل می‌کند (حر عاملی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۲۵۰).

روشن است که چله‌نشینی اگرچه در ظاهر گوشه‌نشینی و خلوت با پروردگار است، اما از آنجاکه به طور خاص یا در ضمن حکم عام دلیلی درباره آن نیامده است، بدعت در دین دانسته می‌شود.

شیخ حر عاملی معتقد است گرچه این ریاضت موجب صفای قلب شود، از آنجاکه هیچ رجحان شرعی ندارد، بلکه از آن نهی شده است، نمی‌توان به مشروع بودن آن حکم کرد. همچنین وجود برخی عبادات و ریاضت‌های شرعی مانند مواظبت بر عبادات، سبب صفای فکر و رسیدن به معرفت ربانی می‌شود (حر عاملی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۴۰).

۳-۱-۱. دلیل نداشتن مشروعیت

شیخ حر عاملی معتقد است این ریاضت، بدعتی آشکار و روشن است و نیز وارد کردن چیزی به دین است که از شریعت نبوده است. وی اعتقاد دارد بسیاری از صوفیه به جدید بودن این ریاضت اذعان و اعتراف دارند و دلایل عقلی نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد (حر عاملی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۳۹). دلیلی که نویسنده رساله اثنا عشریه بر نداشتن مشروعیت این عبادت اقامه می‌کند، این است که هیچ دلیلی بر مشروعیت این ریاضت چنانچه آنان گفته‌اند وجود ندارد (حر عاملی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۳۹) و آنچه با عنوان دلیل بیان می‌شود، ناتمام است. از جمله مهم‌ترین این دلایل، حدیث «من اخلص لله اربعین یوما اثبت الله الحکمة فی قلبه وانطق بها لسانه» است که صوفی‌ها معتقدند ریاضت چله‌نشینی را می‌توان بر اساس استناد به این حدیث مشروعیت بخشید. نگارنده این سطور در این بخش پس از به دست آوردن مصادر این حدیث در منابع حدیثی شیعه، دلالت حدیث بر آنچه صوفیه می‌گویند را بررسی می‌کند.

به دست آوردن روایت در مصادر حدیثی

این حدیث با دو عبارت مختلف در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ج ۳، ص ۴۷)^۱ و عدة الداعی (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ه. ص ۲۳۲)^۲ نقل شده است. شیخ حر عاملی تنها به روایت

الکافی اشاره می‌کند و وجود سفیان ثوری در طریق حدیث به امام باقر (ع) را باعث ضعف روایت می‌داند (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۶۳). بررسی‌های نگارنده نیز نشان می‌دهد تنها نقل این حدیث در کتاب الکافی مستند به طریق شیعی است و احتمال نقل ابن فهد حلی در عدة الداعی از اهل سنت به دو دلیل تقویت می‌شود.

دلیل اول: هیچ منبع متقدم شیعی لفظ روایت مورد نظر (چنانچه ابن فهد حلی نقل کرده است) را از پیامبر اکرم (ص) نقل نکرده است.

دلیل دوم: نقل ابن فهد حلی با برخی منابع اهل سنت برابری می‌کند؛ برای نمونه می‌توان به روایات بسیاری از این قبیل در منابع اهل سنت اشاره کرد که روایت مورد نظر را با همین لفظ از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد طریق ابن فهد به این حدیث طریق شیعی نبوده است.

کتاب احادیث القصاص روایت مورد نظر را با همین عبارت از رسول خدا (ص) نقل کرده است: «من أخلص لله عز وجل أربعين يوماً تفجرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» (حرانی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ص ۹۱).

از جمله منابع متقدمی که این حدیث را با اختلاف در برخی عبارات در منابع خود آورده‌اند، می‌توان به الزهد ابن مبارک (ابن مبارک، ۱۴۱۹ هـ، ج ۱، ص ۳۵۹) و الزهد ابن سری (ابن سری، ۱۴۰۶ هـ، ج ۲، ص ۳۵۷)^۲ اشاره کرد که نشان می‌دهد نقل این حدیث در منابع متقدم اهل سنت با عبارات شبیه به هم وجود داشته است، گرچه برخی محدثان عامه مانند صغانی برخی عبارات حدیث مورد نظر را در تبار احادیث جعلی آورده‌اند (صغانی حنفی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱، ص ۶۸).^۳ حلیة الأولیاء (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱، ص ۷۰)، شعب الایمان (بیهقی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۹، ص ۱۹۷)، مسند الشهاب (قضاعی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۲۵۸) و ... نیز این حدیث را در منبع خود بیان کرده‌اند.

سفیان ثوری در منابع رجالی

همان‌طور که اشاره شد، شیخ حر عاملی قائل به تضعیف سفیان ثوری است؛ بنابراین باید وضعیت سفیان ثوری در منابع رجالی روشن شود. بررسی منابع رجالی نشان می‌دهد کشی، علامه حلی و ابن داوود مطالبی را دربارهٔ این راوی بیان کرده‌اند که لازم است ارزیابی شوند.

الف) سفیان ثوری در رجال کشی

از سفیان ثوری دو روایت در رجال کشی نقل شده است:

روایت اول: سفیان ثوری به پوشش امام صادق (ع) اشکال می‌کند و معتقد است این پوشش با رویهٔ پدران حضرت سازگار نیست. حضرت در پاسخ به سفیان ثوری به اقتضای زمانه اشاره می‌کند که به دلیل مناسب بودن وضعیت اقتصادی در این زمان، پوشش مورد نظر مشکلی ندارد^۵ (کشی، ۱۴۰۹ هـ، ص ۳۹۳). این نقل به خوبی نشان‌دهندهٔ نگاه صوفیانه سفیان در مقابل امام صادق (ع) است؛ تا جایی که زبان به اعتراض می‌گشاید و رویهٔ امام (ع) را مخالف سنت پدران ایشان ارزیابی می‌کند. گرچه در این عبارت هیچ اشارتی به تضعیف سفیان ثوری وجود ندارد، اعتراض او به امام صادق (ع) و تأیید صوفی بودن او به واسطهٔ این روایت، می‌تواند از جمله قراینی باشد که شیخ حر عاملی به واسطهٔ آن او را تضعیف کرده است.

روایت دوم: عده‌ای به غرض شنیدن حدیث خدمت امام صادق (ع) رسیدند. حضرت از آنها خواست احادیثی که شنیده‌اند را نقل کنند. از جمله احادیثی که در این مجلس نقل شد، احادیثی بود که آنها از سفیان ثوری نقل کردند که به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. سفیان ثوری از امام باقر (ع) نقل کرد که نبیذ تماشا حلال است مگر خمر؛ چرا که عمر نبیذ می‌خورد.

۲. سفیان ثوری از امام باقر (ع) نقل می‌کند که هرکس بر کفش هایش مسح نکند، صاحب بدعت است و این چنین است حکم کسی که نبیذ نخورد؛ چراکه عمر در سفر سه مرتبه چنین کرد.

۳. کسی که مارماهی، طعام و ذبیحه اهل ذمه را نخورد، گمراه است؛ چراکه که علی (ع) چنین می‌کرد (کشی، ۱۴۰۹ هـ، ص ۳۹۳).

نگارنده معتقد است هر سه گزاره مخالف فقه شیعه و روایات اهل بیت (ع) است و هیچ دلیل روایی بر احکام پیش گفته وجود ندارد. بر این اساس دو احتمال تقویت می‌شود:

* تقیه: امام باقر (ع) این احکام را بر اساس تقیه بیان فرمودند که این احتمال با وجود سازگاری این احکام با فقه عامه دور از انتظار نیست؛ چراکه حلال بودن شرب نبیذ (ابوحنیفه، ۱۴۳۱ هـ، ص ۴۸)، جواز مسح بر کفش (ابن جلاب مالکی، ۱۴۲۸ هـ، ج ۱، ص ۲۹) و حلال بودن مارماهی (فرغانی، [بی تا]، ج ۱۱، ص ۶۱۲) از جمله احکامی است که در فقه عامه مشاهده می‌شود. بر این اساس، احتمال شیخ حر بر تقیه‌ای بودن روایت «من اخلص لله اربعین صباحاً» نیز با وجود نقل سفیان ثوری و سازگاری با منابع اهل سنت - چنانچه گذشت - دور از انتظار نیست.

* وضع روایت از سوی سفیان ثوری: احتمال دیگر درباره این مسئله، جعل روایت از سوی سفیان ثوری است که در این حالت، تضعیف او محرز است. این احتمال بر احتمال اول برتری دارد؛ به این دلیل که تعلیل امام در روایت اول و دوم به روش عمر بن خطاب است و چنین استنادی حتی درباره روایات تقیه‌ای نیز کمتر مشاهده می‌شود.

ب) سفیان ثوری در رجال علامه حلی و ابن داوود

علامه حلی در خلاصة الاقوال و ابن داوود در کتاب رجال تنها به شیعه نبودن سفیان ثوری اشاره کرده‌اند و به هیچ‌یک از دو روایت کشی پرداخته‌اند. عبارت «لیس من اصحابنا»

که اشاره به غیرشیعه بودن سفیان ثوری دارد، در این دو کتاب یافت می‌شود (ابن داود، ۱۳۴۲ هـ، ص ۴۵۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ هـ، ص ۲۲۸). بنابراین به نظر می‌رسد مجموع آنچه درباره سفیان ثوری در منابع رجالی گذشت، از جمله قرآینی باشد که شیخ حر عاملی را مجاب به تضعیف وی نموده است.

دلالت حدیث از نگاه شیخ حر عاملی

شیخ حر عاملی معتقد است افزون بر اینکه ممکن است این روایت حمل بر تقیه شود، غیر از اخلاص در عبادت و پرستش دینی، هیچ دلالت دیگری ندارد و هیچ‌گونه اشارتی در آن بر ترک خوراکی‌های حلال و فراورده‌های حیوانی و انجام ریاضت‌هایی از این قبیل وجود ندارد؛ همچنین هیچ نکته‌ای مبنی اختصاص این کار به فصل زمستان و مواردی مانند آن یافت نمی‌شود (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۶۳). درواقع از نگاه شیخ حر عاملی، حدیث مورد نظر ادعای صوفیه مبنی بر چله‌نشینی را پوشش نمی‌دهد، بلکه تنها اخلاص چهل‌روزه در عبادات را مدنظر قرار داده است؛ از این رو آنچه از آداب صوفیه در مسئله چله‌نشینی از آن یاد می‌شود، با مفاد این حدیث برابری نمی‌کند و دلالت حدیث بر مدعی تام و تمام نیست.

۲-۳. مخالفت با آیات قرآن کریم

در این بخش به اثبات مخالفت چله‌نشینی با آیات قرآن کریم از دیدگاه شیخ حر عاملی پرداخته می‌شود. وی در بخشی از کتاب خود و در ضمن بیان ششمین نقد به چله‌نشینی صوفیانه، به آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌کند و این ریاضت را مخالف آیات قرآن کریم می‌داند؛ از جمله آیه ۸۷ سوره «مائده»، آیه اول سوره «تحریم»^۷ و آیه ۳۲ سوره «اعراف»^۸. وجه استدلال به همه این آیات نیز مشخص است؛ از دیدگاه شیخ حر عاملی، حرام کردن

اشیای پاکیزه بر نفس به معنای منع و محروم کردن نفس از آن اشیاء محسوب می شود که داخل در مفهوم این آیات شریفه است؛ هرچند کسی که چنین اعمالی را انجام می دهد، معتقد به حرمت شرعی آنها نباشد (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۴۱).

به عقیده شیخ حر عاملی، شأن نزول این آیه درباره عده ای از صحابه است که ترک دنیا گفته اند و روزها را به صیام و شب ها را به قیام سپری می کردند. تصمیم آنها بر این بود که هیچ گاه بر بستر ن خوابند و گوشت و روغن نخورند و از زنان کناره گیری کنند و بوی خوش استعمال نکنند؛ همچنین عزم آنها بر پوشیدن لباس راهبه ها، دوره گردی و حتی خواجگی بود.

بر اساس این نقل، پیامبر خدا (ص) اصحاب را از این منش نهی فرمودند و سیره خود را برای اصحاب تشریح کردند و به شدت از سیره رهبانیت نهی فرمودند و سرباززنده از این روش را مخالفت کننده با سنت خود عنوان فرمودند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ج ۳، ص ۲۲۱).^۹ این واقعه سبب شد آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» (مائده ۵: ۸۷) نازل شود.

۳-۳. مخالفت با روایات معصومان (ع)

یکی دیگر از اشکال هایی که شیخ حر عاملی مطرح می کند، مخالفت ریاضت چله نشینی با روایات معصومان (ع) است. در ادامه به مهم ترین این روایات اشاره می شود.

روایت اول: توییح عاصم بن زیاد توسط حضرت علی (ع)

از مهم ترین روایاتی که می تواند به چله نشینی صوفیانه خدشه وارد کند، روایت مربوط به توییح عاصم بن زیاد توسط امیرالمؤمنین (ع) است. عاصم مدتی را خرقة بر تن، به گوشه نشینی مشغول بود و درواقع ترک دنیا کرده بود. شکایت خانواده او نزد امیرالمؤمنین (ع)، موجب صدور توییح از سوی حضرت علی (ع) شد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ج ۲، ص ۳۵۸). این حدیث به روشنی به طریقه گوشه نشینی و ترک دنیا گفتن انتقاد وارد کرده است.

روایت دوم: نهی از رهبانیت در آیین اسلام

یکی دیگر از دلایل مهم برای باطل دانستن ریاضت چله‌نشینی که شیخ حر عاملی به آن تمسک می‌کند، روایتی از امام صادق (ع) است که کلینی در الکافی نقل کرده است. بر اساس این روایت، خداوند معارف همه ادیان را به پیامبر اکرم (ص) عطا فرمود و در این دین گوشه‌نشینی و ترک دنیا وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۳، ص ۴۸؛ حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴۳). بر این اساس که در دین اسلام وجود گوشه‌نشینی و دوره‌گردی صوفیانه نهی شده است، این نهی شامل مصداق آن از جمله چله‌نشینی می‌شود که در آن صوفی با کناره‌گیری از دنیا به رهبانیت روی می‌آورد.

روایت سوم: مخالفت طریقه صوفیه با اهل بیت (ع)

روایت سومی که شیخ حر عاملی برای ابطال طریقه صوفیه ذکر می‌کند، روایتی است که از کتاب سفینه البحار محدث نوری آورده است. ترجمه روایت به این ترتیب است: «یک عمر به خود گرسنگی می‌دهند تا عده‌ای افراد نادان را به دام اندازند و استفاده از غذای اندک فقط برای پرکردن ظرف‌های بزرگشان صورت می‌گیرد.... صوفیان هم با ما مخالف‌اند و شیوه آنها مخالفت با روش ماست؛ آنها نصاری و یهودیان این امت‌اند» (محدث قمی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۵، ص ۱۹۹).

روایت چهارم: نهی از ترک خوردن چهل روزه گوشت

از جمله روایاتی که بر باطل بودن چله‌نشینی صوفیانه دلالت دارند، احادیث مربوط به ترک خوردن گوشت در بازه زمانی چهل روزه است؛ چراکه از نگاه تعالیم معصومان (ع) گوشت از ارزش غذایی بالایی برخوردار است و ترک آن زیان‌آور خواهد بود. شیخ حر عاملی با ذکر این دسته روایات، معتقد است چله‌نشینی با این روایات مخالف و از اساس باطل است (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۵۳).

شیخ حر عاملی با تقسیم روایات مربوط به گوشت به دو قسم روایات عامه و خاصه، در بخش اول به یازده حدیث اشاره می‌کند و در بخش روایات خاصه نیز دوازده روایت را آورده است (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۵۰ - ۱۵۷). مهم‌ترین روایتی که وی در این باره نقل می‌کند، روایتی است که در آن از نخوردن گوشت در مدت چهل روز به دلیل ایجاد سوء خلق نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ج، ج ۶، ص ۳۰۹).

روایت پنجم: نهی از افراط در عبادت

از جمله دلایل روایی بر باطل بودن طریقه صوفیه در چله‌نشینی، روایات امر به میانه‌روی در انجام مناسک و نهی از افراط در عبادت است. شیخ حر عاملی معتقد است این روایات از افراط در عبادات مشروع نهی می‌کند و این ادله به طریق اولی شامل ریاضت مورد بحث خواهد بود؛ چراکه مشروع بودن این عبادت ثابت نشده است (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴۱).

۳-۴. مخالفت با ضرورت مذهب

از جمله دلایلی که عالمان در استنباط احکام شرعی به آن استدلال می‌کنند، دلیل «ضرورت دین» یا «ضرورت مذهب» است (صدر، ۱۴۱۷ هـ.ج، ج ۱۰، ص ۳۷۴). مراد از ضرورت دین یا مذهب، احکامی است که احتمال نمی‌رود جزء احکام دینی نباشد و قرارگرفتن آنها در منظومه فقه اسلامی امری قطعی و ثابت است. جستجو در منابع اصولی نشان می‌دهد اگر حکمی با احکام ضروری اسلام که آیات، روایات، عقل و اجماع بر آن شهادت می‌دهد مخالفت داشته باشد، از منظومه معارف دینی خارج می‌شود (طباطبایی قمی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۶۴).

شیخ حر عاملی معتقد است ریاضت چله‌نشینی با ضرورت دین مخالف است و ضرورت دین ایجاب می‌کند این عمل مشروعیت نداشته باشد. وی موضوع استفاده از طیبات و نهی از گوشه‌نشینی را از روشن‌ترین جلوه‌های ضرورت دین می‌داند (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۳۹).

۳-۵. مخالفت با سیره

از جمله دیگر دلایل مهم بر ابطال چله‌نشینی که شیخ حر عاملی به آن تمسک می‌کند، مخالفت این ریاضت با سیره ائمه (ع)، سیره متشرعه و سیره عالمان دین است.

۳-۵-۱. مخالفت با سیره ائمه (ع)

مراد از مخالفت با سیره ائمه (ع) در کلام شیخ حر عاملی، این است که اهل بیت (ع) هیچ‌گاه به گوشه‌نشینی نپرداخته‌اند و حلال‌های خدا را بر خود حرام نکرده‌اند و چنانچه گذشت، از این روش نهی نیز کرده‌اند (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۴۰). در واقع اهل بیت (ع) نه تنها گوشه‌نشینی نکرده‌اند، بلکه با حضور در اجتماع، استفاده از حلال‌های خداوند و ... به زندگی بین مردم توصیه کرده‌اند و چنانچه گذشت، از شیوه گوشه‌نشینی و ترک دنیا نهی کرده‌اند که در ادامه نمونه‌هایی از این سیره بیان می‌شود.

نمونه اول: استفاده از نعمت‌های الهی

از احادیث بسیاری می‌توان سیره پیامبر خدا (ص) و شیوه زندگی اهل بیت (ع) را به دست آورد. بر اساس این روایات، پیامبر اکرم (ص) گوشت و عسل می‌خوردند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ج ۵، ص ۳۲۰)، بوی خوش استشمام می‌نمودند و با زنان خود هم‌بستر می‌شدند (کلینی،

۱۴۰۷ هـ، ج ۵، ص ۴۹۶). همچنین امیرالمومنین (ع) به مشارکت با اهل دنیا در امور دنیوی امر فرموده‌اند (ثقفی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۱۴۸) و شیوه زاهدانه خود را به دلیل قبول کردن امر حکومت عنوان می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۴۱۰).

در سیره دیگر اهل بیت (ع) هم این امر مشاهده می‌شود؛ برای مثال پوشیدن لباس‌های نیکو و استشهاد به آیه «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف: ۳۲)، از جمله مباحثی است که در برخی روایات وجود دارد (عیاشی، ۱۳۸۰ هـ، ج ۲، ص ۱۴-۱۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۶، ص ۴۴۲). محمدتقی مجلسی معتقد است پوشیدن خز توسط امام سجاد (ع) از باب تجویز آن و در مقابل صوفیه اهل سنت انجام گرفت که در مذمت زینت می‌کوشیدند (مجلسی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ص ۹۵-۱۴۱۴).

نمونه دوم: حضور در اجتماع

اهل بیت (ع) افزون بر حضور در اجتماع و زندگی بین مردم، شیعیان را به حضور اجتماعی دعوت می‌کردند. حضور بین مردم (کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۱۱۷)، شرکت در تشیع جنازه (عیاشی، ۱۳۸۰ هـ، ج ۱، ص ۳۷۶)، صلّه ارحام (اهوازی، ۱۴۰۲ هـ، ص ۱۳) و ... از توصیه‌هایی است که نشان می‌دهد ائمه (ع) وظایفی اجتماعی بر عهده شیعیان قرار داده‌اند و آنها را به حضور در اجتماع تشویق می‌کنند.

۳-۵-۲. مخالفت با سیره عالمان دین

شیخ حر عاملی معتقد است عالمان شیعه بر مشروع نبودن و جایزندانستن این ریاضت اتفاق نظر دارند؛ به همین دلیل هیچ‌یک از عالمان متقدم و متأخر تا دوره‌های نه‌چندان دور، چنین کاری انجام نداده‌اند، بلکه به صراحت در مقام انکار آن برآمده‌اند، همان‌گونه که معصومان (ع) چنین کرده‌اند. وی معصومان را داخل در این اجماع می‌داند و ریاضت

مورد نظر را ساخته و پرداخته دشمنان دین اسلام نظیر مسیحیت و هندوها معرفی کرده است (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴۰).

روشن است که عالمان دینی حتی در میان عامه افزون بر اینکه خود چنین سیره‌ای نداشته‌اند - چنانچه گزارش شده است -، نقدهای متعددی بر صوفیه و مناسک آن از جمله چله‌نشینی وارد کرده‌اند (الجویر، [بی تا]، ص ۶۲۱).

در توضیح عبارت نویسند مبنی بر وجود امام در بین اجماع‌کنندگان نیز باید گفت احتمال دارد اجماع مورد نظر شیخ حر عاملی، اجماع دخولی باشد. در این نوع اجماع، وجود قطعی امام در ضمن اجماع‌کنندگان مورد نظر است، به گونه‌ای که امام شناخته نشود تا اثبات گردد آنچه فقیهان بر آن اتفاق دارند، مورد تأیید حجت الهی قرار گرفته است (مظفر، ۱۳۸۷ هـ.ش، ج ۲، ص ۱۰۷). عده‌ای از محققان اصولی اشکال‌های مهمی به اجماع دخولی دارند که اختصاص این نوع اجماع به زمان معصوم از جمله این موارد است (حاج عاملی، ۱۴۲۴ هـ.ش، ج ۳، ص ۱۷۳).

در نهایت به نظر می‌رسد گرچه ریاضت چله‌نشینی مخالف سیره عالمان است - چنانچه نویسند متذکر شده است -، تمسک به اجماع دخولی صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه احراز حضور معصوم بین اجماع‌کنندگان و اشکال پیش‌گفته مبنی بر اختصاص آن به زمان معصوم، مانع از تمسک محققان به این نوع اجماع خواهد شد.

۳-۶. چله‌نشینی و بروز مفاسد

آخرین دلیلی که شیخ حر عاملی بر اساس آن چله‌نشینی صوفیانه را نقد می‌کند، این است که ریاضت مورد نظر در بردارنده مفاسد بسیاری خواهد بود و آنچه سبب بروز مفسده می‌شود، باید ترک شود؛ چه رسد به کاری که مفاسد زیادی در پی خواهد داشت (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴۷).

اعتقاد به آنچه مشروع نیست (کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۳۹۷)، موجب ضررزدن به بدن، اعتقاد به تحریم مباحت، حضور نیافتن در مشاهد مشرفه، قطع ارحام، تنها غذا خوردن و تنها خوابیدن، ترک طلب علم، ادعای کشف و شهود و ترک عیادت بیماران خواهد شد (حر عاملی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴۹).

بررسی مفاسد

مفاسد چله نشینی که سوی شیخ حر عاملی در رساله اثنا عشریه بیان شده است، برخی به آثار سوء فردی و برخی به تبعات اجتماعی چله نشینی اشاره دارند؛ همچنین از نگاه شیخ حر عاملی، مفاسدی که برای دین ایجاد خواهد شد نیز مورد توجه قرار گرفته است. نکته دارای اهمیت در این گفتار هم پوشانی تعدادی از مفاسد با یکدیگر است؛ برای مثال دو مفسده آخر تفاوت چندانی با مفسده پنجم و ششم ندارد؛ همچنین ممکن است مجموع این مفاسد در جایگاه تأییدی بر اعتبار نداشتن چله نشینی از نگاه شیخ حر عاملی مورد توجه قرار گرفته اند؛ زیرا به برخی مفاسد با عنوان دلیل مستقل نمی توان تکیه کرد.

درواقع ترک صله ارحام، نرفتن به مسجد و گفتگو نکردن با عالمان را که برای مفسده ذکر شده است، می توان برای تأیید عنوان کرد؛ زیرا ترک این امور به سبب چله نشینی مقطعی انجام می پذیرد و اگر چله نشینی در جایگاه یک عبادت دارای آثار خاص پذیرفته شود، نمی توان به مفاسد پیش گفته با عنوان دلیل تکیه کرد؛ زیرا در اعتکاف و جهاد نیز این مسئله وجود دارد، اما دلیل معارض این عبادات مطرح نمی شوند.

توجه به این نکته نیز لازم است که از جمله آداب صوفیه، دوست داشتن خلوت (سلمی، ۱۹۷۶ م، ص ۶۵) و تنهایی و معاشرت نکردن با مردم است که در این حالت با آیات و روایات مورد اشاره شیخ حر عاملی مخالفت دارند.

درباره مفسده هفتم - نهی از تنها غذا خوردن - باید گفت این مفسده نیز به خودی خود نمی تواند مخالفت تامه با چله نشینی صوفیه داشته باشد؛ چرا که «تنها غذا خوردن» از

جمله آداب صوفیه است که در کتاب جوامع آداب صوفیه نیز بدان اشاره شده است (سلمی، ۱۹۷۶م، ص ۴۲). بنابراین نگارنده معتقد است نهی مورد نظر شامل این ریاضت که مقطعی انجام می‌گیرد و همواره این عمل را انجام می‌دهد نیست.

نتیجه

بر اساس این تحقیق، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. چله‌نشینی از جمله مناسک خاص صوفیه است که طی مراحل خاص و با اعمال ویژه‌ای از جمله نشستن در اتاق تنگ و تاریک، کم خوردن، کم سخن گفتن و کم خوابیدن انجام می‌شود. ریشه این عبادت مشخص نیست، اما شباهت زیادی با رهبانیت مسیحیان دارد. شیخ حر عاملی نیز به تشابه این عمل با مناسک دشمنان دین اشاره کرده است.
۲. از مجموع آنچه شیخ حر عاملی در نقد چله‌نشینی بیان کرده است، شش نقد کلی به دست می‌آید که عبارت‌اند از: نداشتن مشروعیت، مخالفت با آیات قرآن، مخالفت با روایات، مخالفت با ضرورت مذهب، مخالفت با سیره و دربرداشتن مفاسد.
۳. مراد از نداشتن مشروعیت، نبود دلیل است که حتی اگر این عبادت نتایجی مانند صفای باطن را دربر داشته باشد، به دلیل بدعت بودن و غیر مشروع بودن نمی‌تواند پذیرفته شود. شیخ حر عاملی در بخش آیات به سه آیه و در بخش روایات به روایات متعددی اشاره می‌کند که پنج روایتِ توبیخ عاصم بن زیاد، نهی از رهبانیت در اسلام، مخالفت طریقه صوفیه با اهل بیت (ع)، نهی از نخوردن چهل روزه گوشت و افراط در عبادت از جمله این روایات است.
۴. بخش چهارم این پژوهش به دیدگاه شیخ حر عاملی درباره مخالفت ریاضت چله‌نشینی با ضرورت مذهب اختصاص دارد و بخش پنجم به مخالفت این ریاضت با سیره ائمه (ع) و عالمان دین از نویسندگان می‌پردازد و شواهدی بر این مسئله نیز اقامه شده است؛ از جمله اینکه اهل بیت (ع) از نعمت‌های الهی استفاده می‌کردند و هیچ‌گاه طریق گوشه‌نشینی را اختیار نکردند.

تحلیل نگارنده از عبارت شیخ حر عاملی درباره‌ی مخالفت چله‌نشینی با سیره عالمان دین و وجود امام بین اجماع‌کنندگان، تمسک نویسنده به اجماع دخولی است که اشکال‌هایی را در پی دارد.

۵. بخش پایانی این نوشتار به بیان دیدگاه شیخ حر عاملی درباره‌ی مفاسد داشتن چله‌نشینی اختصاص یافت. مفاسد چله‌نشینی که شیخ حر عاملی در رساله اثنا عشریه بیان می‌کند، برخی به آثار سوء فردی و برخی به تبعات اجتماعی چله‌نشینی اشاره دارد؛ همچنین از نگاه شیخ حر عاملی، مفاسدی که برای دین ایجاد خواهد شد نیز مورد توجه قرار گرفته است. نکته دارای اهمیت در این گفتار هم‌پوشانی تعدادی از مفاسد با یکدیگر بود؛ برای مثال دو مفاسد آخر تفاوت چندانی با مفاسد پنجم و ششم ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «مَا أَخْلَصَ عَبْدُ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - أَوْ قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا، وَبَصَّرَهُ ذَاةَهَا وَدَوَاءَهَا، وَاثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَانْطَقَ بِهَا لِسَانُهُ» (کلینی، ۱۴۱۷هـ، ج ۳، ص ۴۷).
۲. «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷هـ، ص ۲۳۲).
۳. ابن سری، ۱۴۰۶هـ، ج ۲، ص ۳۵۷.
۴. «ومنها قولهم: من أخلص لله أربعين صباحاً، نور الله قلبه، وأجرى ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» (الصغانی، ۱۴۰۵هـ، ج ۱، ص ۶۸).
۵. «أن سفیان الثوري دخل على أبي عبد الله عليه السلام و عليه ثياب جیاد، فقال: یا أبا عبد الله ان آباءك لم یكونوا یلبسون مثل هذه الثیاب! فقال له ان آباءي علیهم السلام كانوا في زمان مقفر مقتر». ۶. «یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لكم...».
۷. «یا ایها النبی لم تحرم ما احل الله لك تبتغی مرضات ازواجك».

۸. «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق».
۹. «أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً، ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فَشْرَةٍ، فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةً عِبَادَتِهِ إِلَى سُتَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى؛ وَ مَنْ خَالَفَ سُتَّتِي فَقَدْ ضَلَّ، وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ، أَمَا إِنِّي أَصْلِي، وَأَنَا مُ، وَأَصُومُ، وَأُفْطِرُ، وَ أَضْحِكُ، وَأَبْكِي؛ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ مُنْهَاجِي وَ سُتَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي، وَ قَالَ: كَفَى بِالْمُوتِ مَوْعِظَةً، وَ كَفَى بِالْيَقِينِ غَنًى، وَ كَفَى بِالْعِبَادَةِ شُغْلًا» (كلینی، ۱۴۱۷هـ، ج ۳، ص ۲۲۱).

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابن جلاب مالکی، عیدالله بن حسین. (۱۴۲۸ هـ). التفریع فی فقه المالکی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی. (۱۳۴۲ هـ.ش). الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن سری، هناد. (۱۴۰۶ هـ). الزهد. کویت: دار الخلفاء.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ هـ). عدة الداعی و نجاح الساعی. قم: دار الکتب الإسلامی.
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت. (۱۴۳۱ هـ). مسند ابوحنیفه. مکه: المكتبة الإمدادية.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله. (۱۳۹۴ هـ.ش). حلیة الأولیاء و طبقات الاصفیاء. مصر: السعادة.
- اسماعیلی زاده، عباس؛ میثم شعیب؛ و رضا ملازاده پامچی. (۱۳۹۶ هـ.ش). «نقد مستندات قرآنی و روایی چله نشینی». پژوهش نامه کلام. س ۴. ش ۶.
- آشتیانی، محسن. (۱۳۸۸ هـ.ش). رموز اسرارآمیز عدد چهل. قم: امیران.
- اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۲ هـ). الزهد. قم: المطبعة العلمية.
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۳ هـ). شعب الایمان. هند: مكتبة الرشد.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۰ هـ). الغارات. قم: دار الکتب الإسلامية.
- الجویر، محمد بن احمد بن علی. [بی تا]. جهود علماء السلف فی القرن السادس الهجری فی الرد علی الصوفیه. ریاض: مكتبة الرشد.
- حاج عاملی، محمد حسین. (۱۴۲۴ هـ). ارشاد العقول الی مباحث الأصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۳ ه.ش). رساله اثنا عشریه فی الرد علی الصوفیه. قم: انصاریان.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴ ه.ش). لغت نامه. تهران: چاپخانه دولتی ایران.
- رازی، نجم الدین. (۱۳۶۳ ه.ش). مرصاد العباد. [بی جا]: [بی نا].
- سلمی، ابی عبدالرحمن. (۱۹۷۶ م). جوامع آداب صوفیه. قدس: جامعه العبریه فی اورشلیم.
- صدر، رضا. (۱۴۲۰ ه). الاجتهاد والتقلید. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صغانی حنفی، حسن بن محمد. (۱۴۰۵ ه). الموضوعات. دمشق: دار المأمون للتراث.
- طباطبایی قمی، تقی. (۱۳۸۱ ه.ش). الأنوار البهیة فی القواعد الفقہیة. قم: محلاتی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ ه). خلاصة الأقوال. نجف اشرف: دار الذخائر.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ه.ش). تفسیر عیاشی. تهران: المطبعة العلمیة.
- فرغانی، علی بن ابی بکر. [بی تا]. الهدایة فی شرح بداية المبتدی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۴۰۷ ه). مسند الشهاب. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴ ه). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. قم: اسوه.
- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۲ ه.ش). مصباح الهدایة و مصباح الکفایة. تهران: زوار.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ه). رجال کشی. مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۷ ه). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کیانی، محسن. (۱۳۶۹ ه.ش). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ ه). لوامع صاحبقرانی. چ ۲، قم: اسماعیلیان.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۷ ه.ش). اصول الفقه. قم: بوستان کتاب.